

محمود اسداللهی

شاهنشاهی ایران در دوره ساسانیان*

چنانکه می‌دانیم کشور شاهنشاهی ایران که مدت ۲۵ قرن یعنی ۲۵۰۰ سال از تاریخ آن می‌گذرد یکی از کشورهای باستانی جهانست که در طول تاریخ کهنسال خود خدمت فراوان به تمدن بشری کرده و در دنیای قدیم، امپراطوری وسیعی را تشکیل داده است و با سیاست و عدل و داد، و مبارزه با ظلم و جور، همیشه مورد توجه مردم دنیا، بخصوص همسایگان خود بوده است. آریائیه‌ها اولین مردمی بودند که بفکر تشکیل حکومت مرکزی و تاسیس شاهنشاهی افتادند و در هرزمانی یکی از فرزندان خلف کشور بنام پادشاه، اداره امور مملکت را به عهده می‌گرفت و باحقوق حقوق مردم و اجرای عدالت اجتماعی بر اساس داد و راستی می‌پرداخت و این امر در سنگ‌نوشته‌ها و کتیبه‌ها موجود است. پس بدین ترتیب کلمه شاه و شاهنشاه و شاهنشاهی از دیرباز ورد زبان همه مردم این سرزمین بوده و هست و اصولاً ایرانیان از قدیم سلطنت را موهبتی خدادادی و از جانب اهورامزدا می‌دانسته‌اند و اراده پادشاه را اراده خدائی می‌پنداشتند و پادشاه را دارای فرّ ایزدی می‌دانسته‌اند و کسی را قابل نشستن بر آریکه سلطنت می‌دانستند، که از پرتو این فروغ پادشاه برازنده

* این مقاله متن سخنرانی نویسنده است که روزیکشنبه ششم تیرماه در برنامه

رادیوئی دانشگاه مشهد اجرا شده است.

تاج و تخت می‌گردد و در نتیجه آسایش گستر و دادگر می‌شود و همواره در کارها و جنگها و امور مشکل کامیاب و پیروز می‌شود، نیز معتقد بودند که فر ایزدی فقط بشهریارانی تعلق خواهد گرفت که یزدان پرست و پرهیزکار و دادگر و مهربان باشند. این عقیده با داشتن پادشاهانی چون کورش کبیر بنیانگذار شاهنشاهی ایران و داریوش بزرگ و دیگر پادشاهان عالیقدر که همت و عمر خود را وقف خدمت بمردم این مرزوبوم نموده‌اند و پیوسته در عدل و داد و سازمان‌دادن بدستگاههای اداری و لشکری و دفاع از کشور خود و اعتلاء، ایران عزیز و پیشرفت آن بتدریج پیش‌ازپیش فوت می‌گیرد. درهریک از دوره‌های درخشان ایران ملاحظه می‌کنید که کشور درکف باکفایت یکی از فرزندان خلف خود اداره می‌شده‌است.

اینک اجازه دهید بطور خیالی مختصر از دوره پادشاهان ساسانی صحبت کنیم. اگر چه بحث در این زمینه خود مستلزم دهها مقاله‌است و از آنجا که امسال بفرمان رهبر خردمند مملکت سال کورش کبیر نام گرفته‌است و مردم مملکت برای تجدید خاطره از عظمت چند هزارساله ایران و بخاطر اصالت در نژاد و تمدن و به پاس قدردانی از پادشاهانی که در راه اعتلاء، کشور خود کوشیده‌اند و خدمات ارزنده‌ای بمردم و مملکت نموده‌اند و بالاخره برای تکریم و بزرگداشت خدمت نیاکان خود و مجد و عظمت باستانی و اصیل کشور، عظیمترین و بی‌سابقه‌ترین جشن خود را بمناسبت جشنهای ۲۵۰۰ سال شاهنشاهی ایران برگزار می‌نماید، لازم است حتی‌الإمكان با گذشته درخشان و تاریخ روشن مملکت خود آشنا گردند.

اردشیر بنیانگذار امپراطوری ساسانی‌است و پس از گرفتن مشرق ایران تا پنجاب و جنگیدن بارومیان و گرفتن دوشهر نصیبین و حران که بین سوریه و عراق بودند ارمنستان را هم تسخیر نمود. وحدتی بوجود آورد و

حکومت مرکزی مقتدری را تشکیل داد و شاهان کوچک را که بصورت از ایران فرمانروائی می کردند مستقل هر یک در قسمتی در دربار خود جمع آورد و نیز ایران را به چند استان تقسیم کرد و هر استان را به سپهبدی با اختیارات کامل سپرد تا زیر نظر شاهنشاه آنجا را اداره کند. و تشکیلات منظم و صحیحی از لحاظ مذهبی و سیاسی و مالی و اداری و دادگستری بوجود آورد که همان اساس و تشکیلات توانست دومین امپراطوری مقتدر و پاشکوه پارس را تا چهار قرن استوار سازد. اعمال و کردار و رفتار اردشیر گواه نبوغ نظامی و نیرومندی و سیاستمداری و کاردانیش می باشد او پیوسته در فکر رفاه و آسایش مردم بود بطوریکه از وصایای او بفرزندش شاهپور برمی آید اساس انتظام امور را بر بنیاد عدل و انصاف می داند و مخصوصاً تصریح می کند که ملک و دین با همدیگر نوامند و هر یک باید نگهبان دیگری باشد و نیز خطاب به شاهپور می گوید انتظام امور کشور باید طوری باشد که کسانی را که خدای متعال زیر سرپرستی من و تو قرار داده است از ما راضی باشند و دعای خیر آنان را بطرف خود جاب نمائیم. دولت شاهنشاهی ساسانیان که به دست اردشیر بابکان تأسیس یافت در پناه سپاهی آراسته و منظم و نیرومند گسترش یافت دولت ساسانیان می کوشیدند تا از هخامنشیان در اداره امور مملکتی و سپاهداری و سایر امور تقلید نمایند و خود را وارث داریوش و کوروش می دانستند.

اردشیر، دولت شاهنشاهی ایران را حیاتی نوین بخشید که خود مستلزم جهانداری و سیاست مملکتداری بود و برای آنکه مرزهای شمال و شرق و غرب را از تعدی و تجاوز دشمنان نگاه دارد بناچار به تشکیل ارتشی نیرومند و قوی نیازمند بود. اردشیر اساس ملوک الطوائفی را که قبلاً بر نواحی مختلف حاکم بود برچید و از لشکریان

ملوك الطوائفی قبل در صفوف منظم و سازمان مجهز استفاده گردید . حکام و فرمانروایان که در مرزها خدمت می کردند باندازه کافی نیرو و اختیار داشتند از قاعده های مستحکمی هم که در مرزهای کشور بود دائماً پاسداری و نگهبانی می شد . نخبه سپاه دوره ساسانی عبارت بودند از آسواران ، زره پوش و دسته نجباء که سواره نظام در میدانهای جنگ نقش مهمتری را ایفاء می نمودند و فتح و پیروزی موکول باستقامت و پایداری و شجاعت آنان بود . ایرانیان چنان دسته های منظم و انبوه سواره نظام بمقابله با رومیان می فرستادند که چشم دشمنان از برق زره و سلاح آنان خیره می شد و بشدت در روحیه آنان اثر می گذاشت در دوره ساسانیان بتقلید از هخامنشیان دسته ای از سواره نظام برگزیده بودند که آنرا هیئت جاودانان نامیده بودند و مرکب از ۱۰ هزار نفر بود و دسته دیگری بود از لشکریان که شجاع و قوی و فداکار بودند و جاسپار خوانده می شدند که در بعضی از حجاریها ، عکس آنان با علامتهای بخصوص که بر روی کلاه آنان است دیده می شود . معمولاً در جنگها در پشت سر سوار - نظام فیالها قرار داشتند که نعره و منظره آنها اسبهای دشمن را می ترسانید . در جنگهای بزرگ خود پادشاه شخصاً فرماندهی لشکر را بعهده می گرفت در وسط لشکر تختی بزرگ قرار می دادند و بر او گرداگرد آن پرچمهایی نصب می کردند و پادشاه از بالای تخت تحولات جنگ و هر اتفاقی را ملاحظه می کرد و فرماندهی سپاه را شخصاً بعهده داشت .

لشکریان شجاع عهد ساسانی طریقه گرفتن قلعه را خوب می دانستند و از منجنیق و برج متحرك و ابزار و ادوات جنگی که در آن زمان معمول بود استفاده می کردند . در قسمت های گمشده اوستای ساسانی و در تفاسیر پهلوی اشارات بسیار بامور لشکری موجود است که در قسمت های مذکور راجع بجنگ دفاعی از مرزوبوم و بیرون راندن اقوام بیگانه و دشمن

و مسائلی از این قبیل مندرج بوده است و فصلی بنام آرتشتاران داشته است که از جنگ و سپاه بحث می‌نموده، زیرا می‌گفتند: اضمحلال و از میان بردن گرگهای دویا که منظور دشمن است مقدم بر هر چیز است و نمونه جالبی از فنون لشکری را ابن قتیبه از کتابی بنام آئین نامک اخذ نموده که قسمتی مربوط به نبرد صحرائی و قسمت دیگر مربوط به شیوه قلعه‌گیری است.

درفش کاویانی که پرچم رسمی ساسانیان بوده است مورد توصیف مورخین، مخصوصاً مورخین اسلامی قرار گرفته است، بلعمی درباره آن می‌گوید: ایرانیان در هر جنگی که فاتح می‌شدند يك گوهر گرانبها بر این پرچم می‌افزودند و در نتیجه غرق در زور و سیم و در و گوهر شده بود. مسعودی مورخ دیگر درباره آن می‌نویسد که با یاقوت و مروارید و گوهرهای گوناگون پوشیده شده بود. بنا به قول ثعالبی ایرانیان درفش کاویانی را وسیله‌ای برای کامیابی خود می‌دانستند و آنرا بجواهرات گرانبها مزین نموده بودند، بطوریکه پس از مدتی یکتای جهان و شاهکار روزگار گردید. درفش کاویانی را پیشاپیش سپاه می‌بردند و جز فرمانده کل سپاه شخص دیگری را شایسته نگاهداری آن نمی‌دانستند بطور کلی پادشاهان در جنگها بآن تیمن و تبرک می‌جستند، «ابن خلدون» می‌گوید: صورت طاسمی با اعداد و علائم نجومی بر درفش کاویان دوخته و رسم کرده بودند. وضع اجتماعی مردم در دوره ساسانیان دارای ضوابط و قوانینی بوده است و هر طبقه‌ای دارای یکنوع مزایا و مقام و درجه اجتماعی بوده‌اند و هر صنفی از نجباء و اشراف و اوساط و عوام الناس در انجام دادن وظائف خود حدود معینی داشتند. در اوستا جامعه ایرانی بدسته‌های روحانیان، جنگیان، کشاورزان تقسیم گردیده است که بعداً طبقه دیگری را هم بنام صنعتگران بر آنها افزوده‌اند که هر يك از آنان بر دسته‌های دیگری تقسیم می‌شده‌اند.

البته باید توجه داشت که تقسیمات مذکور بر طبق مصالح و مقتضیاتی بوده که مستلزم استحکام مبانی اجتماعی آن زمان بوده است. و این تعیین حدود و مقررات اجتماعی باعث از میان بردن حقوق طبقه‌ای خاص نبوده است و علت آن در کتاب مینوخرد چنین آمده است که پیشه‌وران باید در کارهایی که نمی‌دانند وارد نشوند و آنچه را به پیشه آنان مربوط است بخوبی انجام دهند و مزد آنها بنرخ عادلانه بگیرند چه اگر کسی بکاری مشغول شود که از آن آگاهی ندارد آن کار را ضایع و بی‌فایده کرده است. و نیز ارتقاء از طبقه‌ای بطبقه دیگر و یا احیاناً تبدیل از طبقه و درجه‌ای بطبقه دیگر مجاز بوده است مشروط بر آنکه استعداد و لیاقت افراد محرز گردد که در این صورت افراد شجاع و چابک در طبقه جنگیان درمی‌آیند و اگر متناسب با طبقه روحانیان بود بآن طبقه ملحق می‌گردید و اگر افرادی دارای معلومات کافی و عقل و حافظه سرشار بودند به صنف دبیران وارد می‌شدند و در نامه «تنسر» هم باین موضوع اشاره گردیده است که هرگاه یکی از طبقات شایستگی و لیاقت داشت که بطبقه دیگری وارد شود بشاهنشاه عرضه می‌کردند و ضمن آزمایش و توفیق در آن طبقه مورد نظر ملحق می‌گردید. اصولاً بزرگترین و عالیترین لقب و تعریفی که ایرانیان از پادشاهان خود کرده‌اند اینست که آنان را عادل و دادگستر بنامند چنانکه فردوسی گوید:

فریدون فرخ فرشته نبود ز آب و ز آتش سرشته نبود
 بداد و دهش یافت این فرهی تو داد و دهش کن فریدون توئی
 پادشاهان ساسانی بخوبی می‌دانستند که اجرای عدالت بدون داشتن یک سلسله قوانین و مقررات اجتماعی میسر و ممکن نیست و طبعاً عدالت چیزی جز اجرای صحیح قوانین نخواهد بود لذا دارای قوانینی منظم و استوار بودند و آنها را به خداوند و اهورامزدا نسبت می‌دادند و از آن جهت که

بر اساس آداب و سنن قدیمی و بر پایه عادلانه بنا شده بود همه مردم آنها را می پذیرفتند و از آنها اطاعت می کردند. یونانیان قدیم که خود مردمی متمدن و قبل از سایر اقوام اروپائی مشعلدار علم و دانش بوده اند اینطور تشخیص داده بودند که ایرانیان از جنبه اخلاقی و مملکتداری بقدری دقیق بوده اند که می توان گفت این امر از خصائص ایرانیان و منحصر بانان است و بقول پروفیسور یوسف شخت کار بدانجا می رسد که نویسندگان یونانی هر وقت می خواستند درباره تربیت سیاسی و تربیت نمودن افرادی مدبر اظهار نظر کنند آن را از قول رجال ایرانی که ارزش زیادی برای آنان قائل بودند نقل می کردند از جمله انواع و اقسام کتابهایی که جنبه پند و اندرز داشته و حاوی دستورات اخلاقی و در طرز زندگانی و رفتار با مردم و رفتار حکام با رعایا بوده بسیار مرغوب بوده است در این کتابها اصرار شده است باستعمال عقل و پیش گرفتن جوانمردی و عدالت و نیکوکاری و نشان می دهد که در دوره ساسانیان نیز همین صفات و فضائل مورد توجه و علاقه شدید ایرانیان بوده است پادشاهان ساسانی در خطابه هایی که روز جلوس خود در حضور عامه مردم ایراد می کردند مضامین و مندرجات این پندنامه ها را بکار می بردند. درباره اینکه در دوره عظمت و شکوه ساسانیان شاه بایستی دارای چه صفات و خصوصیتی باشد تا در نظر مردم کامل و بی عیب شناخته گردد، برزویه طبیب می گوید خداوند مردی را پادشاه، فرموده است نیکبخت و فرخنده طالع، دورانیش و بلند همت، دادرس، دادگر، نکوکار و جوانمرد، راستگو و سپاسگزار، بیدار و پایدار بخشاینده و خوش رفتار که دست قدرتش بهمه جا رسیده و در حفظ حقوق بی نهایت دقیق است و بحال مردمان و کارهای کشور دانا است و دانش و دانشمند و نیکمردان را دوست دارد و بر ستمکاران سختگیر است، نه هرگز می ترسد و نه کسی می تواند او را بمیل خود منحرف کند همواره

مواظب است که برای رعیت آنچه را دوست دارند فراهم بیاورد و آنچه را خوش ندارند از ایشان دفع کند.

سنت تاجگذاری شاهنشاهان ساسانی از جمله مراسم و تشریفات مهمی بوده که در عصر پادشاهان پیش از اسلام باشکوه بسیار اجرا می شده است. اردشیر مؤسس سلسله ساسانی در پارس تاجگذاری کرد و تاجگذاری او در معبد آناهیتا واقع در استخر انجام گرفت. از مراسم تاجگذاری اردشیر محل نقش رستم و نقش رجب جلگه فارس نزدیک دخمه های سلاطین هخامنشی بر روی کوه و صخره حجاری شده است. عده ای از مورخین معتقدند سلاطین اولیه ساسانی دوبار تاجگذاری می کرده اند نخست در شهر استخر و سپس در روز اول سال در بابل بطرز شاهنشاهان هخامنشی که گاهی در تیسفون و زمانی در شهر دلخواه دیگری صورت می گرفت.

مراسم تاجگذاری اردشیر اینطور بوده است که در تالار معبد آناهیتا در پارس شاهنشاه در روی صحنه ای ایستاده و در برابر موبد موبدان قرار گرفته است. در اطراف او در طرفین تالار بزرگان و فرمانروایان و نمایندگان طبقات مختلف مردم حضور دارند شاهنشاه پس از نیایش مخصوص جشن که بوسیله حاضران بزبان می آید بعنوان خطابه پس از سپاس یزدان پاك، نخست با اقدامات اصلاحی خود اشاره می کند و سپس برای توفیق در خدمت بکشور و ملت و برای طرد دشمنان و آباد کردن شهرها و مبارزه با فساد و اصلاح امور مملکتی از خداوند مدد و یاری می طلبد. موبد موبدان در حالی که لباس مجلل بر تن دارد حلقه سلطنت را بادت راست و عصای پادشاهی را با دست چپ بشاهنشاه تقدیم می کند شاهنشاه تاج را بر سر می گذارد و موبد موبدان هم بعنوان بیعت سر تعظیم فرود می آورد و در این هنگام سرود مذهبی مخصوص مراسم تاجگذاری خوانده می شود، سپس شاهنشاه

بتالار عام می‌رود و در تختی زرین جلوس می‌کند و بیاناتی ایراد می‌دارد بعد نمایندگان طبقات مختلف مردم تهنیت و درود می‌گویند و سر تعظیم فرود می‌آورند و مجلس در میان شادی و سرور و ترنم العنان خوش موسیقی پایان می‌رسد بطور کلی تاجگذاری سایر شاهنشاهان ساسانی بهمین نحو و با کمی تغییر اجرا می‌شده است.

بعد از اردشیر بابکان شاپور فرزندش و بعد به ترتیب شاپور دوم و بهرام پنجم و یزدگرد دوم و خسرو اول و قباد هر یک تاجگذاری نموده‌اند. تاج شاهنشاهان ساسانی مختلف بوده و هر شاه بگونه تاج داشته‌است و در تعیین ولیعهد شاهنشاهان ساسانی از بین فرزندان خود و گاهی افراد شایسته دیگری از خانواده سلطنتی ولیعهد را انتخاب می‌نمودند. بطور کلی سلطنت ساسانیان از سال ۲۲۶ تا سال ۶۵۲ (؟) میلادی یعنی ۴۲۶ سال بطول انجامیده و مصادف با سال ۷۷۴ تا سال ۱۲۰۲ شاهنشاهی ایران بوده‌است و در این مدت جمعا ۳۵ نفر پادشاهی رسیده‌اند که با تفاوت در مدت سلطنت و خدمات یکی پس از دیگری سلطنت کرده‌اند مثلا بعضی از آنان مانند جوانشیر پسر خسرو پرویز و پوران دخت و گشتاسب و آذر میدخت و هرمزد پنجم نوه خسرو پرویز و خسرو چهارم و فیروز دوم هر یک از یکسال تا یکماه بیشتر سلطنت نکرده‌اند و بعضی مانند شاپور اول ۳۰ سال و شاپور دوم ۷۰ سال و خسرو انوشیروان ۴۸ سال و خسرو پرویز ۳۷ سال سلطنت کرده‌اند و منشا عمران و آبادی و خدماتی بوده‌اند. دوره ساسانی یکی از درخشانده‌ترین دوره‌های تاریخ ایران است زیرا علاوه بر آنکه شکوه و عظمت و وسعت دیرین ایران که بجهت هرج و مرج و ملوک الطوائفی از بین رفته بود باز آورده شد و در احیای دین قدیم ایران و آداب و سنن ملی و بسط علوم و احداث شهرها و بوجود آوردن و تأسیس دانشکده‌ها و مراکز علمی کوشیدند و تا آنجا که ممکن بود برای پیشرفت

صنعت و تجارت و حجاری و شهرسازی و بوجود آوردن قصور و کاخهای عظیم و جاده‌ها و پلها و تشویق از صاحبان حرف و صنعتگران فعالیت داشتند ویرانه‌های کاخهای عظیم و شهرها و کتیبه‌ها و تصاویر و نقوشی که از آن دوره در صخره‌ها و اندرون غارها بجای مانده بهترین نمودار و زبان گویای تمدن اصیل ساسانیان است. کریستی و یاسون نویسنده تاریخ صنایع ایران می‌گوید در جوانمردی و سلحشوری در جنگ و در کارهای زمان صیاح و در صنعت و معماری، سلسله ساسانی حقیقتاً یکی از بزرگترین و درخشانده‌ترین ادوار تاریخ ایران است قاضی ابوالقاسم صاعد اندلسی در کتاب طبقات الامم می‌گوید: از فضائل سلاطین ایران، حسن سیاست و تدبیر مملکتداری است خاصه سلاطین ساسانی که مانند آنان در سلاطین قدیمه از حیث شهرت و اعتدال در سیاست نیامده است. پرفسور پوپ می‌گوید: سلسله کاملاً ایرانی ساسانیان بنیانگذار رستاخیز فرهنگی عظیمی بوده که بر دین و آداب ملی تکیه داشته است.

قابل توجه آنکه دوره ساسانیان دوره درخشان علم و فرهنگ بوده و جنبشهایی در مورد تاسیس دانشگاهها و کتابخانه‌ها داشته‌اند و شهریاران ساسانی در نشر علوم و تکریم دانشمندان توجه زیادی مبذول می‌داشته‌اند این امر از زمان اردشیر آغاز می‌گردد و در زمان خسرو اول بحد اعلای درجه خود می‌رسد ابن‌الندیم می‌نویسد که اردشیر بابکان برای جمع‌آوری کتابهای پراکنده شده ایران و فراهم آوردن قسمت‌هایی از اوستا توسط «تسر» که قبلاً پراکنده گردیده بود کوشش بسیار نمود و دانشمندان هم به هند و روم و کشورهای دیگر فرستاده می‌شد تا مطالعات و تحقیقاتی بعمل آورد پس از اردشیر پسرش شاهپور نیز همین شیوه را عمل می‌کرد وی دستورداد کتابهایی را به پهلوی ترجمه کنند و در دسترس دانشمندان

و علاقمندان قرار دهند و برای تدریس علوم پزشکی چند نفر از پزشکان خارجی را بدربار خود فرا خواند. انوشیروان خود دلبستگی زیادی به علم و فرهنگ مخصوصاً علاقه زیادی به فلسفه داشت و با همه گرفتاریهای مملکتی و اشتغالات زیاد، آنی از آموختن فلسفه غفلت نمی کرد و در زمان او بود که فلسفه ارسطو و افلاطون بزبان پهلوی ترجمه گردید و دانشمندان ایرانی خود در این دوره دارای مشرب فلسفی جداگانه‌ای شده‌اند که بعدها حکما و فلاسفه اسلامی آنرا (خسروانیین پهلویین) نامیدند در دوره ساسانیان روزنامه و سالنامه نیز وجود داشته که اتفاقات را روز بروز در آن می نوشتند و شاید خدای نامگ و آئین نامگ و تک نامگ از جمله آنهاست و پندنامه بوذرجمهر یکی از کتب اخلاقی عهد ساسانیان است که سرمشق و مورد اقتباس و پندنامه‌های بسیاری از گویندگان و نویسندگان ایرانی در دوره‌های بعد گردید از مدارس معروف این دوره یکی مدرسه‌ای بوده است که بدستور فیروزشاه ساسانی بدست بارسو در شهر نصیبین ایجاد شده که تا هشتصد نفر محصل داشته است از دانشگاه‌های بزرگ این دوره که چندین قرن مرکز مهم علم طب و فلسفه در خاورمیانه بوده جندی شاپور در ^{کاو علوم انسانی و مطالعات فلسفی} ~~خوزستان~~ استان ^{شاپور} شاپور اول بنیانگذار آن بوده و سایر شاهان ساسانی بروسعت و عظمت آن افزوده‌اند پادشاهان ساسانی بانی شهرهای بسیاری نیز بوده‌اند که خرابه‌های چندی از آنها که باقیمانده حاکی از بزرگی و وسعت آنهاست.

در کتاب شهرستانهای ایران که بزبان پهلوی است نام صدها شهر که شاهان ساسانی ساخته‌اند و تا مدت‌ها بعد از آنان هم برپا و آباد بوده ذکر شده است طاقهای نیمدایره‌ای که با آجر و پایه‌های سنگی و ستونهایی که از سنگ و گل ساخته شده از مزایای معماری و ساختمانهای عهد ساسانی

است ویرانه‌های ایوان مدائن و وجود بقایای دو کاخ بزرگ فیروزآباد و سروستان و بناهای شاپور در کازرون و بناهایی در شهر استخر نمونه‌هایی از معماری ساسانیان است و بطور کلی شهرهای زیادی که از شاهنشاهان ساسانی باقیمانده و خرابه‌های سدها، پلها و قلعه‌ها و کاخها از امور است که بر جدیت و فعالیت زیاد پادشاهان ساسانی در امور مملکت‌داری و علاقه آنان ب عمران و آبادی گواهی می‌دهند که ساسانیان سرآمد دولتهائی بودند که آریائیهای ایران در ادوار تاریخی خود تشکیل داده‌اند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

فصلنامه علمی-پژوهشی
 «پژوهش‌های انسانی»
 شماره ۱۰۰، زمستان ۱۳۹۰
 سال شانزدهم
 چاپ اول
 تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی
 آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۳۱، طبقه دوم
 تلفن: ۰۲۱-۸۸۰۰۰۰۰۰
 وبسایت: www.iair.ir